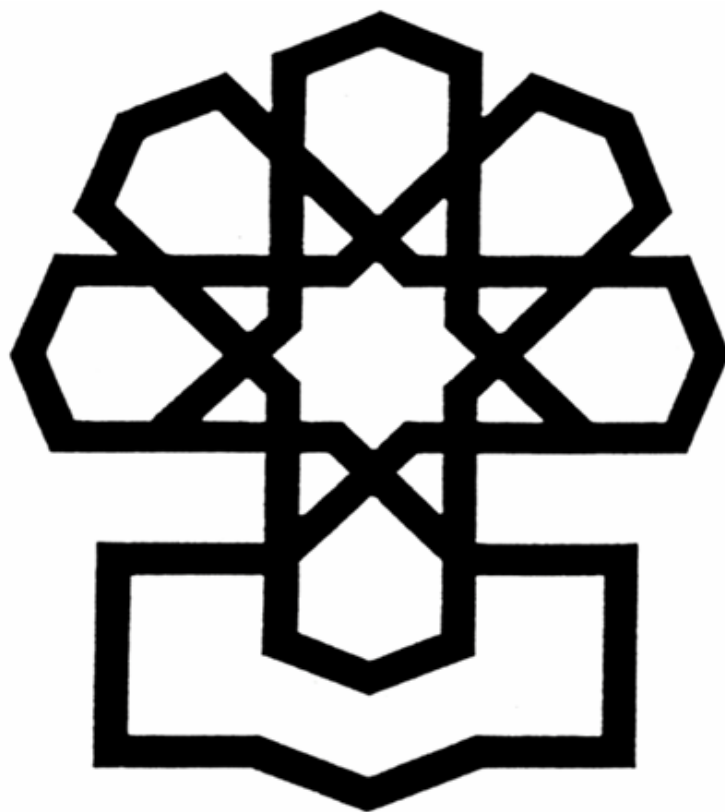
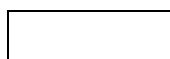


()

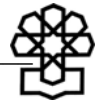


:



:

:



1

()

□

:

□

:

.....

.

.....

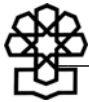
.

.....

.

.....

.



شرکت‌های دولتی با مشکلات و نابسامانی‌های فراوانی روبه‌رو هستند که به طور خلاصه در قالب مشکلات عمومی، مشکلات قانونی و مشکلات تشکیلاتی قرار می‌گیرند. مشکلاتی همچون تحت‌الشعاع قرار گرفتن اهداف اقتصادی شرکت‌های دولتی بر اساس نیازها و انگیزه‌های اجتماعی و سیاسی، عدم ارزیابی و تحلیل عملکرد شرکت‌های دولتی به علت مرتبط بودن آن با حوزه کاری مدیران ارشد سیاسی (مشکلات عمومی)، ضعف، تعدد و خلأ قانونی در اداره شرکت‌های دولتی، مبهم بودن تعریف قانونی شرکت‌های دولتی (مشکلات قانونی)، عدم ایفای صحیح نقش مجامع عمومی، فقدان سیستم‌های عملیاتی، حسابرسی داخلی، برنامه‌ریزی و نظارت در شرکت‌های دولتی (مشکلات تشکیلاتی) از جمله ده‌ها مسأله و مشکل این شرکت‌ها است که می‌توان از آن‌ها نام برد. پس از برگزاری سلسله جلساتی در کمیته نظارت کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی و جمع‌بندی نظر دستگاه‌های اجرایی در رابطه با مشکلات شرکت‌های دولتی، دو گزینه در رابطه با نحوه اقدام برای رفع مشکلات مزبور پیشنهاد گردید:

۱. تدوین قانونی جامع تحت عنوان قانون شرکت‌های دولتی.

۲. اصلاح برخی قوانین ناظر بر فعالیت این گونه شرکت‌ها.

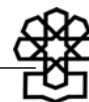
انجام گزینه اول به دلایلی از قبیل عدم شناسایی دقیق مجموعه قوانین حاکم بر فعالیت شرکت‌ها، عدم وجود دیدگاه کارشناسی دقیق در رابطه با دامنه فعالیت‌های دولت که می‌تواند از طریق شرکت‌ها انجام شود، به عنوان یک برنامه بلندمدت تعریف گردید. طبق تصمیم ریاست محترم کمیته نظارت جناب آقای شمس‌الدین وهابی قرار بر این شد که پیش‌نویسی جهت اصلاح برخی مقررات ناظر بر فعالیت شرکت‌های دولتی تهیه شود.

گزارش حاضر با اولویت‌بندی مشکلات مزبور، راهکارهایی که منتج به تغییر یا اصلاح برخی قوانین و مقررات می‌شود را در قالب «پیش‌نویس طرح اصلاح برخی مقررات شرکت‌های دولتی»، ارائه داده و به شرح و تفسیر برخی از مفاد پیش‌نویس می‌پردازد.



شناخت کلیه مشکلات و اولویت‌بندی آن‌ها و اقدام جهت رفع موانع از جمله مسائل مهم و استراتژیک در خصوص شرکت‌ها است که آثار قابل توجهی بر اقتصاد کشور خواهد داشت.

طبق بررسی‌های انجام شده شرکت‌های دولتی با بیش از ۴۰ مورد مشکل روبه‌رو هستند که با دسته‌بندی آن‌ها می‌توان دریافت که ۱۳ مسأله به عنوان مشکلات اصلی و بقیه منتج از مشکلات اولیه هستند برای مثال تغییر پیاپی مدیران که یکی از مشکلات شرکت‌های دولتی محسوب می‌شود، در حقیقت نتیجه مشکل بزرگ‌تری تحت عنوان عدم رعایت معیارهای شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران است که دلیل آن نیز ترجیح عوامل سیاسی بر عوامل تخصصی است.



در جدول ذیل مشکلات اولیه و مادر مشخص شده و علت آن‌ها نیز بیان گردیده است. همچنین نتایجی که از این مشکلات حاصل می‌شود تعیین و راهکارهایی هم برای حل آن پیشنهاد شده است.^۱

در ارائه راهکارها، یافتن راه‌حلهایی که بر مبنای زیر استوار است مد نظر قرار گرفته است:

۱. رفع تعارض قوانین ناظر بر فعالیت شرکت‌های دولتی،
۲. رفع خلأ قانونی نظارت‌های بیرونی و درونی،
۳. استقرار دبیرخانه مجامع با وظایف و اختیارات لازم جهت اعمال بهینه کنترل‌های لازم از طریق مجمع عمومی،
۴. استقرار نظام تشخیص صلاحیت مدیران و تسویه حساب هیأت مدیره در پایان دوره تصدی،
۵. شفاف‌سازی و تسهیل امور به منظور کاهش تخطی‌های اداری.

لازم به ذکر است که در ستون راهکارها در مورد هر مشکلی که با تمهیدات قانونی می‌توان به رفع آن اقدام کرد شماره موادی از پیش‌نویس تهیه شده که ناظر بر راهکار رفع مشکل مزبور است نیز ذکر گردیده است.

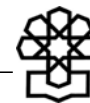
۱. لازم به ذکر است که اجماع کلی در رابطه با دسته‌بندی مشکلات مزبور بین شرکت‌کنندگان دستگاه‌های ذی‌ربط در جلسات کمیته نظارت کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در این رابطه حاصل شده است و جداول ذیل در حقیقت حاصل اجماع مذکور است، مباحث مبسوط در این زمینه در گزارش شماره ۶۶۳۹ مرکز ارائه شده است.



<p>تدوین استراتژی (به شیوه عملی و در حد مقدرات تدوین یک لایحه قانونی در ماده ۲۲ بند الف آمده است. بدیهی است امر مزبور متضمن مطالعه بلند مدت در قالب یک طرح پژوهشی است.</p>	<p>۱- اعمال تصدی بیش از اندازه در امور اقتصادی - عدم انطباق ماهیت واقعی برخی از شرکتها با ماهیت بنگاهداری ۲. رشد یکباره و غیرمنطقی دولت به دلیل افزایش درآمدهای نفتی، ملی شدن و مصادره اموال افراد پس از انقلاب، و سلیق سیاسی</p>	<p>۱. تحت الشعاع قرار گرفتن اهداف شرکت‌های دولتی بر اساس نیازها و انگیزه‌های اجتماعی و سیاسی در سطح ملی، بخشی و منطقه‌ای؛</p>	<p>۱. فقدان استراتژی مشخص دولت در مورد شرکت‌های دولتی و عمومی</p>
<p>- انتخاب تخصصی اعضای مجمع عمومی، (ماده ۱) - پیش‌بینی تشکیلات و ساختار مناسب به عنوان دبیرخانه مجمع با حضور افراد متخصص و کارشناس (ماده ۲) - درخواست گزارش‌های مناسب و به موقع (مواد ۲ و ۴۲) - ضرورت اخذ نظر موافق مسئولان فرابخشی حسب مورد در زمینه تصویب صورت‌های مالی و بودجه (ماده ۱۱ تبصره ۲ و ماده ۱۲) - عدم تفویض اختیار (ماده ۱ تبصره ۳) - اعمال سیاست تشویق و تنبیه با توجه به عملکرد مدیران (ماده ۴ و ماده ۱ تبصره ۴)</p>	<p>- عدم توجه به گزارشات حسابرسی و بازرسی قانونی - امضای صورت‌جلسات به صورت دست گردان - عدم امکان نظارت مالی از طرف وزارت دارایی و نظارت عملیاتی از طریق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به دلیل حق رأی مساوی اعضاء - عدم امکان اعمال سیاست تشویق و تنبیه با توجه به عملکرد مدیران در مجمع</p>	<p>۱. تخصصی نبودن مجمع و مرتبط شدن نقش مجمع با حوزه کاری مدیران ارشد سیاسی ۲. عدم تناسب اوقات مدیران و وزرا با تعداد مجمع شرکت‌هایی که عضو آن هستند ۳. عدم وجود ساختار مناسب در دستگاه‌ها برای ایفای نقش مجمع و ارائه گزارش‌های لازم، ۴. وجود حق رأی مساوی بین وزرا بخشی و مسئولان فرابخشی عضو مجمع ۵- تفویض اختیار اعضا مجمع به رئیس مجمع</p>	<p>۲. عدم ایفای صحیح نقش مجمع عمومی</p>
<p>- تدوین مجموعه معیارها و ضوابط انتخاب مدیران شایسته و مرتبط با حوزه کاری شرکت (ماده ۱ تبصره ۴)</p>	<p>- تغییر پیاپی مدیران - توان پایین مدیران در اداره امور شرکتها</p>	<p>۱. ترجیح عوامل سیاسی بر عوامل تخصصی، ۲. تحت نفوذ بودن مدیران از سوی وزرای عضو مجمع با گرایش خاص به وزرای بخشی ذی‌ربط</p>	<p>۳. عدم رعایت معیارهای شایسته‌سالاری در انتخابی مدیران</p>
<p>- تدوین ضوابط ارزیابی عملکرد مدیران (ماده ۲ بندهای ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۴، ۱۶) - ایجاد یک سازمان و بانک اطلاعاتی مدیریت که عملکرد وسوابق کاری آنها را به همراه روابط مابین شرکتها از لحاظ مالی معاملاتی و پرسنلی شامل می‌شود (ماده ۱ تبصره ۴ و ماده ۲ بند ۱۵)</p>	<p>- عدم امکان اعمال سیاست تشویق و تنبیه با توجه به عملکرد مدیران در مجمع - نبود آموزش کافی برای مدیران متناسب با وظایف</p>	<p>۱. وجود فضایی سیاسی حاکم بر اداره امور شرکتها</p>	<p>۴. فقدان سیستم مناسب ارزیابی عملکرد مدیران</p>
<p>ایجاد و برقراری سیستم‌های عملیاتی لازم (ماده ۲ بند ۱۰ و ماده ۳)</p>	<p>- ضرورت اعمال تغییر در روش‌های بودجه‌نویسی</p>	<p>۱. مدیران سیاسی داوطلب سیستم‌های شفاف و کارآمد نیستند چرا که مناسبات حسابداری و حساب‌کشی فراهم می‌شود</p>	<p>۵. فقدان سیستم اطلاعات مدیریت، برنامه‌ریزی، نظارت و حسابرسی داخلی</p>



<p>ارزیابی ادواری عملکرد شرکت‌های دولتی و ارائه گزارش‌های مربوط به مراجع ذی‌صلاح و ارائه نتایج به رسانه‌ها (ماده ۴۲)</p> <p>- ایجاد شفافیت در مجموعه امکانات در رانت‌های شرکت‌های دولتی (ماده ۲ بند ۶)</p> <p>- آموزش کافی برای کارکنان (ماده ۲ بند ۱۳)</p> <p>- رفع مشکل نقدینگی (ماده ۷)</p> <p>- جلوگیری از انجام فعالیت‌های خارج از حیطه تعیین شده در اساسنامه شرکت‌های دولتی (ماده ۴۵)</p>	<p>- عدم شفافیت مجموعه رانت‌ها و امکانات شرکت‌های دولتی و تأثیر منفی آن بر تعیین بازده واقعی اقتصادی</p> <p>- نبود آموزش کافی برای کارکنان و مدیران متناسب با وظایف محوله</p> <p>- وجود بدهی‌های قابل توجه به سیستم بانکی</p> <p>- عدم پیگیری حساب‌های فی‌مابین به خصوص در مورد شرکت‌های مادر و فرزند</p> <p>- روی آوردن برخی از شرکت‌های دولتی به مشاغلی چون هتلداری و باشگاه‌داری</p> <p>- وجود مشکل نقدینگی</p>	<p>۱. عدم تمایل به ارائه نتایج عملکرد به علت مرتبط بودن آن با حوزه کاری مدیران ارشد سیاسی کشور</p> <p>۲. استفاده از شرکت‌ها برای حل مسائل وزارتخانه‌ها</p>	<p>۶. عدم ارزیابی و تحلیل عملکرد شرکت‌های دولتی</p>
<p>برقراری ممنوعیت قانونی برای عضویت هیأت مدیره در شرکت‌های هم‌گروه با توجه به اوقات کاری مصوب (چون در اساسنامه شرکت‌های مادر تخصصی این مسأله مطرح شده لذا ماده‌ای برای آن پیشنهاد نگردیده است).</p>		<p>اهمیت ندادن به نقش و جایگاه هیأت مدیره در اداره امور شرکت‌های دولتی و عدم ارتباط میان تأثیر این مدیران بر عملکرد شرکت‌های دولتی</p>	<p>۷. شرکت و عضویت تعداد قابل توجهی از اعضای هیأت مدیره و کارکنان شرکت‌های دولتی در هیأت مدیره شرکت‌های هم‌گروه و زیرمجموعه</p>
<p>اجرای بند ب ماده ۴ قانون برنامه سوم (ماده ۴۵)</p>	<p>عدم انطباق ماهیت واقعی برخی از شرکت‌ها با ماهیت بنگاهداری</p>	<p>۱. گریز از قوانین و مقررات بدون توجه به پیامدهای آن</p> <p>۲. الزام قانونی در قالب قانون تأسیس شرکت‌ها در لوايح بودجه سنواتی و سایر قوانین</p> <p>۳. تمایل شرکت‌ها به انجام فعالیت‌های حاکمیتی به جهت استفاده بیش‌تر از منابع عمومی دولت برای پوشش عدم کارایی‌های اقتصادی</p>	<p>۸. اعمال حاکمیت توسط برخی شرکت‌های دولتی. مغایر اهداف اقتصادی آن‌ها</p>



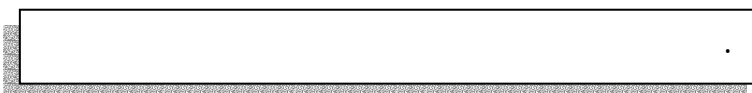
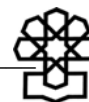
<p>- (ماده ۸) عدم تمکین بعضی از شرکت‌های دولتی از قوانین و مقررات حاکم در پرداخت‌های پرسنلی مانند قانون نظام هماهنگ پرداخت</p> <p>- (ماده ۸) مشکلات اساسی در نظام پرداخت به کارکنان که باعث ضعف در استخدام افراد متخصص شده است.</p> <p>- (ماده ۳۷) استفاده از مجوزهای قوانین بودجه سالانه و تأسیس تعداد زیادی شرکت دولتی که فاقد فعالیت هستند</p> <p>- (ماده ۴۲) عدم توجه کافی به تقویت نهادهای نظارتی دولت و عدم وجود ضمانت اجرایی کافی جهت کار آنها</p> <p>- (ماده ۲ بند ۲، ماده ۱۲ و ماده ۳۳) عدم طرح بودجه شرکت‌های دولتی در مجامع و طرح آن در قانون بودجه صرفاً با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی</p> <p>- (چون در قوانین عادی، قانون برنامه سوم توسعه که مقررات واگذاری طی آن پیش‌بینی شده قابل اصلاح نیست، لذا در این پیش‌نویس برای این امر مواردی پیشنهاد نشده است).</p> <p>- (ماده ۹) نحوه اجرای طرح‌های عمرانی و سرعت زیاد تشکیل شرکت‌های دولتی به دلیل انجام این طرح‌ها</p> <p>- (ماده ۹ تبصره - ماده ۲۷ و ماده ۲۹) نحوه اجرای طرح‌های عمرانی با تابعیت از آیین‌نامه معاملات دولتی و نحوه اجرای طرح‌های منابع داخلی با آیین‌نامه داخلی شرکت</p> <p>- (مواد ۱۰، ۲۳، ۲۸ و ۳۲) وجود محدودیت‌های اساسی و قوانین دست و پاگیر در مقابل شرکت‌های دولتی به دلیل عدم تفاوت قائل شدن بین قوانین حاکم بر شرکت‌های دولتی و ستاد دولت</p> <p>- (مواد ۴۰ و ۴۱) تعدد، تداخل و تعارض نهادهای نظارتی</p> <p>- (ماده ۲۲) مبهم بودن تعریف قانونی شرکت‌های دولتی</p> <p>- (ماده ۱ و تبصره ۱۴ آن و ماده ۲) مشخص نبودن حدود اختیارات، وظایف، تعداد، ترکیب، نحوه انتخاب ارکان و ضمانت‌های اجرایی تصمیمات ارکان و ... در شرکت‌های دولتی</p>	<p>۱. عدم توجه به ماهیت شرکت و عدم تمیز آن از ستاد دولت</p> <p>۲. نبود قانون جامع واحد برای تشکیل، مدیریت و نظارت بر بنگاه‌های اقتصادی دولت</p>	<p>۹. ضعف، تعدد، تضاد و خلأ قانونی در اداره شرکت‌های دولتی</p>
---	---	--



<p>- ارائه گزارش‌های ادواری سالانه به هیأت دولت در این خصوص و انجام تضییقاتی برای غیرفعالان در امر خصوصی‌سازی</p> <p>- فراهم ساختن زمینه حضور سرمایه‌گذاران خارجی</p> <p>- رفع مشکلات حقوقی / قانونی در امر خصوصی‌سازی</p> <p>(- تسریع در اجرای کامل قانون برنامه سوم)</p>	<p>- تأخیر در تشکیل شرکت‌های مادر تخصصی</p> <p>- اعمال تصدی بیش از اندازه در امور اقتصادی</p> <p>- واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به بخش عمومی به جای بخش خصوصی</p>	<p>۱. حفظ قدرت و قدرت‌نمایی</p> <p>۲. بهره‌مند شدن از امکانات شرکت‌های تابعه و وابسته</p> <p>۳. عدم حساب‌کشی از مدیران ارشد سیاسی در این رابطه</p> <p>۴. تداخل وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری و عدم تفکیک واقعی آن‌ها</p> <p>۵. عدم الزام مدیران ارشد اجرایی در رابطه با اجرای برنامه خصوصی‌سازی</p> <p>۶. ساختار نامناسب مالی / عملیاتی شرکت‌های قابل واگذاری</p> <p>۷. وجود مشکلات حقوقی و قانونی در اجرای سیاست خصوصی‌سازی</p>	<p>۱۰. ضعف در تصمیم‌گیری نسبت به تعیین تکلیف شرکت‌های کم‌بازده، زیان‌ده و غیرضروری و عدم برنامه‌ریزی مناسب و قاطع و فراهم نمودن زمینه برای خصوصی‌سازی و عدم اجرای قانون برنامه سوم</p>
<p>- اصلاح قوانین به گونه‌ای که منعی برای حضور بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی وجود نداشته باشد</p> <p>- لغو انحصارات دولتی و حمایت از بخش غیردولتی هم‌زمان با لغو انحصارات ناشی از مقررات مصوب دولت</p> <p>- اتخاذ تدابیر لازم به منظور حضور بخش خصوصی در فعالیت‌هایی که نیازمند سرمایه‌گذاری‌های وسیع است</p> <p>(در گروه اجرای ماده ۳۵ قانون برنامه سوم توسعه است که باید اجرا کامل آن پیگیری شود)</p>	<p>- اصلاح قوانین به گونه‌ای که منعی برای حضور بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی وجود نداشته باشد</p> <p>- لغو انحصارات دولتی و حمایت از بخش غیردولتی هم‌زمان با لغو انحصارات ناشی از مقررات مصوب دولت</p> <p>- اتخاذ تدابیر لازم به منظور حضور بخش خصوصی در فعالیت‌هایی که نیازمند سرمایه‌گذاری‌های وسیع است</p> <p>(در گروه اجرای ماده ۳۵ قانون برنامه سوم توسعه است که باید اجرا کامل آن پیگیری شود)</p>	<p>۱. تکالیف قانونی که به موجب آن برخی از فعالیت‌ها را صرفاً به بخش دولتی محول کرده است.</p> <p>۲. وجود فعالیت‌هایی که به دلیل نیاز به منابع مالی زیاد، بخش غیر دولتی توانایی ورود به آن فعالیت را ندارد.</p> <p>۳. وجود قوانین و مقررات خاص فعلی که به ایجاد انحصار به نفع شرکت‌های دولتی و اعطای امتیاز استثنایی به آن‌ها منتهی شده است.</p>	<p>۱۱. وجود بعضی انحصارات در شرکت‌های دولتی</p>
<p>- استفاده از نظام برنامه و بودجه بر مبنای صفر و ترویج بودجه عملیاتی در شرکت‌های دولتی به جای بودجه سرفصلی (در گرو تغییر سیستم بودجه‌ریزی در کل کشور است)</p> <p>- فرصت کافی برای ارائه بودجه شرکت‌های دولتی در بخشنامه (ماده ۱۱ و ۱۲)</p> <p>- عدم تحمیل هزینه‌های حاکمیتی و سربار بر شرکت‌ها (مواد ۵، ۶ و ۱۳)</p>	<p>- عدم طرح بودجه در مجامع به دلیل عدم متناسب مهلت تعیین شده در بخشنامه بودجه با زمان لازم جهت طی مراحل تهیه و تنظیم بودجه</p> <p>- تحمیل هزینه‌های حاکمیتی و سربار به شرکت‌ها از طرف وزارتخانه‌ها</p> <p>- وجود مشکل نقدینگی و بدهی‌های قابل توجه به سیستم بانکی</p> <p>- تنظیم بودجه بدون توجه به بهای تمام شده واقعی و سوبسیدهای پرداختی</p>	<p>- قدیمی بودن روش‌های مورد استفاده در برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی</p>	<p>۱۲. نحوه بودجه‌بندی، تصویب و اجرای آن</p>



<p>عدم اجرای طرح‌های عمرانی توسط شرکت‌های دولتی و واگذاری آن‌ها به متقاضیان بخش خصوصی (ماده ۹)</p>	<p>- طی سال‌های آینده، چند هزار شرکت دولتی به دلیل در دست اجرا بودن تعداد قابل توجهی طرح عمرانی بوجود می‌آید</p>	<p>۱. اجرای طرح‌های عمرانی دستگاه‌های اجرایی توسط شرکت‌های دولتی ۲. عدم توجه فنی و اقتصادی طرح‌ها ۳. طولانی شدن زمان اجرا به دلایل زیر: الف) افتتاح و شروع تعداد زیادی طرح بدون توجه به منابع ریالی و ارزی لازم ب) تأمین اعتبار ناقص طرح‌های مذکور در طی سنوات اجرای آن‌ها ج) تعطیل بودن اجرای طرح‌های عمرانی در سه ماه اول سال به دلیل عدم ابلاغ بودجه و سه ماهه آخر سال به دلیل کاهش دریافتی دولت د) یک ساله تصویب شدن طرح‌های عمرانی و بلاتکلیفی طرح‌ها برای اتخاذ سیاست‌های بلند مدت</p>	<p>۱۳. مشکلات ناشی از اجرای طرح‌های عمرانی</p>
--	--	--	--



- «نمایندگی سهام دولت در مجامع عمومی شرکت‌های دولتی مادر تخصصی موضوع ماده ۴۶ این قانون با رعایت فرد بودن مجموع تعداد اعضای مجمع عمومی به عهده وزیر مسئول (رئیس مجمع)، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و ۴ نفر متخصص به ترتیب یک نفر از انجمن حسابداران رسمی ایران بنا به پیشنهاد هیأت امنای انجمن، یک نفر از اطاق صنایع و معادن و بازرگانی بنا به پیشنهاد رئیس اطاق، یک نفر هیأت علمی دانشگاه بنا به پیشنهاد هیأت امنای وزارتخانه‌های علوم تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و یک نفر از بورس اوراق بهادار تهران بنا به پیشنهاد رئیس هیأت مدیره بورس اوراق بهادار تهران و تصویب هیأت وزیران، خواهد بود.

- از تاریخ تصویب این قانون، عنوان شورای عالی و سایر عناوین مشابه، به «مجمع عمومی» در مورد شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون اصلاح می‌گردد.

- چهار نفر افراد متخصص عضو مجمع عمومی صرفاً می‌توانند در ازای تعداد جلسات مجمع عمومی، حق حضور در جلسه دریافت دارند. حق حضور در جلسه افراد مزبور حسب پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب هیأت وزیران تصویب و ابلاغ می‌گردد. بودجه مورد نیاز در این رابطه در بودجه سنواتی دستگاهی که ریاست مجمع عمومی را به عهده دارد، پیش‌بینی و به تصویب می‌رسد.

- وظایف و اختیارات اعضای مجمع عمومی شرکت‌های دولتی مادر تخصصی موضوع ماده ۴۶ این قانون کلاً یا جزئاً غیرقابل تقویض است.

- مجمع عمومی شرکت‌های دولتی مادر تخصصی موضوع ماده ۴۶ این قانون مکلف‌اند حداکثر ظرف سه ماه از تصویب این قانون نسبت به برقراری «نظام تشخیص صلاحیت مدیران» مبتنی بر ضوابطی نظیر داشتن حداقل ۷ سال سابقه کار، دارا بودن حداقل مدرک لیسانس، حسن شهرت، درستی، صداقت و تناسب توانایی تخصصی مرتبط و تجارب مفید با مسئولیت پذیرفته شده به گونه‌ای که حداقل در ترکیب هیأت مدیره‌ها یک نفر مالی، یک نفر فنی و یک نفر اقتصادی وجود داشته باشد، همچنین در زمینه پیش‌بینی «نحوه تسویه حساب مدیران در خاتمه دوره خدمت در هیأت مدیره» برای شرکت‌های مادر تخصصی مربوط، اقدام کنند. دبیرخانه امور مجامع مسئول تدوین مجموعه ضوابط مورد اشاره جهت بررسی در مجمع عمومی، همچنین تدوین پیشنهاد مربوط به نحوه تسویه حساب مدیران و پیگیری امر تا حصول نتیجه می‌باشد.

- به منظور تسهیل امور و انجام بهینه وظایف مجمع عمومی شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون، کلیه وزارتخانه‌ها مکلفند حداکثر ظرف سه ماه از ابلاغ این قانون نسبت به استقرار دبیرخانه مجامع عمومی مرکب از متخصصان لازم با وظایف و اختیارات زیر، ضمن هماهنگی با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اقدام نمایند دستگاه‌های موضوع ماده ۴۶ این قانون حسب مورد و نیاز با تصویب



مجامع عمومی خود می‌توانند مبادرت به استقرار دبیرخانه مجامع به ترتیب فوق و با وظایف و اختیارات موضوع این ماده نمایند.

۱. تسهیل امر تشکیل به موقع مجامع عمومی، بالاخص در زمینه تصویب بودجه و صورت‌های مالی و تسلیم کلیه مدارک مرتبط با دستور کار مجمع عمومی به اعضا، حداقل ۱۵ روز قبل از تشکیل جلسه.

۲. ارائه اظهارنظر کارشناسی در مورد بودجه و صورت‌های مالی تنظیمی به هنگام بررسی و اتخاذ تصمیم در مجمع عمومی، متضمن ارزیابی عملکرد در مقایسه با اهداف تعیین شده ضمن بودجه مصوب یا اصلاح بودجه احتمالی و ارائه دستاوردها از طریق مقایسه اطلاعات مربوط به عملکرد با استانداردها یا معیارهای معین.

۳. ارزیابی و گزارشگری به مجمع عمومی در مورد چگونگی به کارگیری دارایی‌ها و همچنین حفاظت از آن‌ها در قبال خسارات ناشی از تقلب و جرائم، ضایعات، اسراف و اداره غیرکارآمد امور و چگونگی رعایت صرفه و اصلاح.

۴. شناسایی و گزارش آن بخش از فعالیت‌ها به مجمع عمومی که به دلیل فقدان یا عدم تناسب روش‌ها و دستورالعمل‌های تأمین‌کننده کارایی، صرفه اقتصادی و اثربخشی، در معرض مخاطره و خسارت قرار دارند.

۵. ارزیابی کفایت سیستم‌های کنترل مدیریت شامل سیستم‌های اطلاعاتی و عملیاتی و کنترل، به منظور حصول اطمینان از توجه کافی به رعایت صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی، همچنین حصول اطمینان از جامع و منسجم بودن سیستم‌های اطلاعاتی و عملیاتی و درک آن‌ها توسط کلیه سطوح و ارائه گزارش آن به مجمع عمومی.

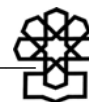
۶. ارائه اظهارنظر به مجمع عمومی در خصوص تخلفات مربوط به استفاده شخصی مدیران و مسئولان شرکت از مناصب خود، همچنین در زمینه افشای اطلاعاتی که اطلاع از آن‌ها ایجاد رانت می‌کند.

۷. ارائه اظهارنظر در خصوص کفایت مدارک و مستندات و گزارش‌های ارائه شده به همراه صورتجلسات مجامع عمومی در جلسات عادی و فوق‌العاده به هنگام طرح آن‌ها در مجمع عمومی.

۸. اظهارنظر در خصوص صلاحیت مدیران به منظور حصول اطمینان از نحوه انتخاب آن‌ها به هنگام اتخاذ تصمیم توسط مجامع عمومی در این رابطه.

۹. ارائه اظهارنظر به مجمع عمومی در خصوص رعایت محدودیت مربوط به ورود به حوزه فعالیت‌های بخش‌های خصوصی و تعاونی و دیگر فعالیت‌های بخش دولتی با عنایت به اصل ۴۴ قانون اساسی به منظور حصول اطمینان از عدم ورود به فعالیت‌های این حوزه‌ها.

۱۰. پیگیری و حصول اطمینان از استقرار سیستم‌های جامع و منسجم اطلاعات مدیریت و سایر سیستم‌های عملیاتی لازم و ایجاد واحد حسابرسی داخلی به منظور حسن اداره و افزایش بازده در شرکت‌های مادر تخصصی و شرکت‌های زیر مجموعه آن‌ها حسب مورد و اعلام نتایج به مجمع عمومی.



۱۱. پیشنهاد سیاست‌های لازم در زمینه استقرار ضوابط مشخص سرمایه‌گذاری و به کارگیری روش‌های توجیه فنی، اقتصادی و مالی برای ارتقای کیفیت سرمایه‌گذاری‌ها و دستیابی به بازده اقتصادی در مورد کلیه شرکت‌های موضوع ماده ۴۶ این قانون حسب مورد به مجمع عمومی.
۱۲. کمک به آماده‌سازی شرکت‌های مشمول واگذاری با اولویت شرکت‌های ملی و مصادره شده.
۱۳. مراقبت در اجرای برنامه‌های آموزشی در جهت تأمین، تربیت و ارتقای کادر مدیریت در شرکت‌های مادر تخصصی و شرکت‌های زیرمجموعه حسب مورد و حصول اطمینان از اجرای آن‌ها و اعلام نتایج به مجمع عمومی.
۱۴. ارائه اظهارنظر کارشناسی در مورد سایر مواردی که در دستور کار مجمع عمومی قرار داده می‌شود. در مواردی که انتخاب اعضای هیأت مدیره یا مدیر عامل در دستور کار مجمع عمومی قرار داده می‌شود، دبیرخانه مکلف است گزارش لازم حاوی نظر خود را متضمن سوابق تخصصی تجربی، رشته شغلی، میزان شهرت و اعتبار و میزان انطباق یا عدم انطباق موضوع فعالیت شرکت با سوابق مورد نظر را در قالب نظام تشخیص صلاحیت مدیران، تنظیم و حداقل ۱۵ روز قبل از تشکیل جلسه، در اختیار اعضای مجمع عمومی جهت بررسی و اتخاذ تصمیم قرار دهد.
۱۵. ایجاد بانک اطلاعاتی مربوط به مدیران ذیربط.
۱۶. تدوین ضوابط ارزیابی عملکرد مدیران و چگونگی آن مشتمل بر تغییرات سرمایه، نحوه برخورد با نیروی انسانی مازاد و جذب نیروهای متخصص و جدید، سود سنواتی، تعهدات آتی، نحوه وصول مطالبات، چگونگی سرمایه‌گذاری جدید و مشارکت، نحوه حل و فصل مسائل حقوقی و نظایر آن جهت ارائه به مجمع عمومی جهت تصویب.
۱۷. تهیه صورتجلسات مجمع عمومی و پیگیری امضا آن‌ها.
۱۸. ابلاغ مصوبات مجمع عمومی و پیگیری نتایج حاصل از اجرای آن به منظور ارائه به مجمع عمومی.
- بودجه دبیرخانه مجامع عمومی متناسب با تشکیلات مصوب همه ساله پیش‌بینی و ضمن بودجه دستگاهی که ریاست مجمع عمومی را دارد حسب مورد از محل درآمد عمومی یا منابع داخلی، تأمین می‌گردد.
- کلیه شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون مکلف‌اند حداکثر ظرف مدت یک سال نسبت به استقرار سیستم‌های اطلاعات مدیریت و سایر سیستم‌های عملیاتی لازم متناسب با نوع فعالیت شرکت و همچنین ایجاد واحد حسابرسی داخلی اقدام نمایند.
- از تاریخ تصویب این قانون، در صورتی که آرای صادره توسط هیأت‌های مستشاری دیوان محاسبات کشور در اجرای مفاد بندهای «ط» و «ی» ماده ۲۳ قانون دیوان محاسبات کشور، در مورد گزارشات حسابرسی (اعم از داخلی و خارجی) شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت موضوع ماده ۴۶ این قانون متضمن رد گزارشات مزبور باشد، اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل این قبیل دستگاه‌ها علاوه بر مجازات‌های مقرر در تبصره ۱ ماده ۲۳ مورد اشاره به سه تا پنج سال محرومیت از



انتخاب به سمت مدیریت عامل و عضویت هیأت مدیره شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون محکوم می‌گردند. این ماده در حکم اصلاحیه تبصره ۱ ماده ۲۳ مورد اشاره می‌باشد. دادستان دیوان محاسبات کشور بر حسن اجرای این ماده نظارت کرده و گزارش سنواتی نحوه اجرای این ماده را همه ساله (حداکثر تا خرداد سال بعد)، به مجلس شورای اسلامی تقدیم خواهد کرد.

- از تاریخ تصویب این قانون، هرگونه استفاده از منابع شرکت‌های دولتی (اعم از منابع عمومی و منابع داخلی) به صورت نقدی و غیرنقدی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و دیگر شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت موضوع ماده ۴۶ این قانون، ممنوع بوده و به منزله تصرف غیرقانونی در اموال دولتی است. متخلف یا متخلفان، مشمول مجازات مقرر در اصلاحیه تبصره ۱ ماده ۲۳ قانون دیوان محاسبات کشور خواهند بود.

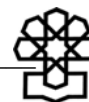
- اعزام مستخدمان ثابت وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی به شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون و بالعکس صرفاً در صورت تأمین و پرداخت حقوق و فوق‌العاده شغل و سایر فوق‌العاده‌های متعلقه از محل بودجه وزارتخانه، مؤسسه دولتی و شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون و حداکثر برای مدت یک سال مجاز است. استفاده از خدمات این افراد پس از انقضای مهلت مزبور صرفاً در صورت تطبیق وضعیت استخدامی از سوی دستگاهی که به ادامه خدمات مستخدم نیازمند باشد و با تراضی طرفین از محل بودجه دستگاهی که مستخدم در آن ارائه خدمات می‌دهد، مجاز خواهد بود. کلیه قوانین و مقررات مغایر با این ماده، از تاریخ تصویب این ماده، ملغی‌الاثراست.

- دولت مکلف است ظرف مدت یک سال از تصویب این قانون، متناسب با وظایف مندرج در آخرین اساسنامه شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون برای آن دسته از شرکت‌هایی که ۱۰۰ درصد سرمایه آن‌ها متعلق به دولت است، میزان سرمایه لازم را برآورد و نسبت به تأمین مابه‌التفاوت لازم از محل منابع عمومی حداکثر ظرف سه سال ضمن قوانین بودجه سنواتی، اقدام نماید.

- از تاریخ تصویب این قانون، قوانین و مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون متناسب با نوع فعالیت، رشته فعالیت، پراکندگی جغرافیایی، حجم و میزان فعالیت و تعداد پرسنل به تفکیک هر شرکت، ضمن هماهنگی با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بنا به پیشنهاد مجمع عمومی شرکت ذی‌ربط و تصویب شورای عالی اداری تعیین می‌شود. نحوه انطباق قوانین و مقررات موجود در مورد هر شرکت با قوانین و مقررات تنظیمی نیز توسط شورای عالی اداری تعیین و ابلاغ می‌شود.

- از تاریخ تصویب این قانون، اجرای طرح‌های عمرانی غیرانتفاعی (طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای غیرانتفاعی) توسط شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون ممنوع است.

- اجرای طرح‌های عمرانی انتفاعی (طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای انتفاعی) توسط این قبیل شرکت‌ها از تاریخ تصویب این قانون با مقررات مالی، معاملاتی و استخدامی مورد عمل شرکت مربوط مجاز می‌باشد.



- از تاریخ تصویب این قانون، عبارات «و شرکت‌هایی که صددرصد (۱۰۰٪) سهام آن‌ها متعلق به دولت است» و «در مورد شرکت‌های دولتی به حساب درآمد شرکت مربوط نزد خزانه واریز خواهد شد» از متن ماده ۴ قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین حذف می‌گردد.
- از تاریخ تصویب این قانون، تصویب بودجه شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون با مراجع صلاحیتدار مربوط خواهد بود و بودجه این قبیل دستگاه‌ها صرفاً به لحاظ هماهنگی، به صورت اطلاعاتی همراه لوایح بودجه کل کشور به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود.
- هرگونه تغییری در بودجه مصوب این قبیل دستگاه‌ها تابع مندرجات ماده ۲ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت خواهد بود.
- از تاریخ تصویب این قانون، ماده ۲ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت به صورت دائمی ابقاء و تبصره آن حذف می‌گردد. حکم این تبصره شامل دستگاه‌های موضوع ماده ۴۶ این قانون می‌باشد. بودجه شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون همراه با نظر مشورتی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در مراجع صلاحیتدار مربوط مطرح می‌شود. در صورتی که نظر مزبور ظرف یک ماه از تاریخ ارسال بودجه به سازمان مزبور، اعلام نشود، این امر مانع طرح و تصویب بودجه در مراجع صلاحیتدار مربوط نخواهد بود.
- در صورتی که شرکت‌های موضوع این ماده به موقع بودجه مصوب مجمع عمومی خود را جهت تقدیم به مجلس شورای اسلامی به همراه بودجه کل کشور به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ارائه ننمایند، نظر مشورتی سازمان مزبور به همراه لایحه بودجه کل کشور تقدیم مجلس شورای اسلامی خواهد شد.
- دستگاه‌های مشمول ماده ۳۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مشمول مفاد ماده ۳۱ قانون مزبور بوده و ماده ۳۱ مورد اشاره، دائمی اعلام می‌گردد.
- مفاد مواد ۳۲، ۴۲، ۶۱، ۶۸، ۷۰، ۸۴، ۹۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت از تاریخ تصویب این قانون، در مورد شرکت‌های دولتی لغو می‌گردد.
- از تاریخ تصویب این قانون هزینه حق انشعاب گاز مساجد، مدارس علوم دینی، حسینیه‌ها و تکایا و هزینه گاز مربوط آن‌ها براساس صددرصد متوسط نرخ رایج از سوی دولت تأمین و از محل منابع عمومی در وجه شرکت ملی گاز ایران پرداخت می‌شود. این ماده در حکم اصلاحیه ماده ۵۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت است.
- هزینه مربوط به مابه‌التفاوت قیمت رایج و قیمت رسمی مربوط به تأمین نفت سفید و گاز مایع موردنیاز روستاییان در سراسر کشور و مورد نیاز عشایر در شعاع پنج کیلومتری محل زندگی آنان توسط دولت تأمین و به شرکت سهامی پخش فرآورده‌های نفتی پرداخت می‌شود.
- این ماده در حکم اصلاحیه ماده ۵۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت می‌باشد.



- از تاریخ تصویب این قانون عبارت «تمام یا قسمتی» بعد از حرف «و» و قبل از کلمه «منابع» در تعریف «اعتبار طرح تملک دارایی‌های سرمایه‌ای»، در ماده ۷۷ قانون تنظیم بخشی مقررات مالی دولت اضافه می‌شود.

- از تاریخ تصویب این قانون، مفاد و کلیه اجزا و تبصره‌های ماده ۸۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت شامل شرکت‌های دولتی نمی‌باشد. لذا عبارت شرکت‌های دولتی از تمامی موارد ماده مزبور حذف و دستگاه یا دستگاه‌های اجرائی استثنائاً در این ماده معطوف به شرکت‌های دولتی نخواهد بود.

- از تاریخ تصویب این قانون، عبارت «این حکم شامل شرکت‌های دولتی، در سطر ما قبل آخر بند «الف» ماده ۸۹ قانون تنظیم بخشی مقررات مالی دولت حذف می‌شود. در ضمن حکم بند «ب» ماده مزبور نیز از تاریخ تصویب این قانون شامل شرکت‌های دولتی نمی‌باشد.

- از تاریخ تصویب این قانون، استثنائاً دستگاه‌های اجرایی در ماده ۹۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، معطوف به شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون خواهد بود.

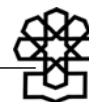
- از تاریخ تصویب این قانون، دولت مکلف است هزینه مربوط به برق‌رسانی به خانه‌های بهداشت و مراکز بهداشتی درمانی روستایی و مراکز و دفاتر پستی مخابراتی روستایی تا دویست متری شبکه و برق‌رسانی به خانواده‌های روستایی تا فاصله دویست متر از شبکه فشار ضعیف به ازای هر خانوار در روستاها فقط با دریافت هزینه انشعاب و نصب کنتور بیست و پنج آمپر تک فاز موضوع ماده ۱۰۲ قانون تنظیم بخشی مقررات مالی دولت را همه ساله در ردیف لازم ضمن لوایح بودجه سنواتی از منابع عمومی پیش‌بینی و تأمین اعتبار نماید.

- از تاریخ تصویب این قانون، ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب سال ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

الف) از تاریخ تصویب این قانون، شرکت دولتی جدید واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به منظور اعمال تصدی دولت تشکیل و اولاً - صد درصد سهام آن متعلق به دولت (نه سایر شرکت‌های دولتی) است، ثانیاً - وظایف آن در زمره انحصارات طبیعی قرار داشته، ثالثاً - بخش خصوصی انگیزه‌ای برای ورود به آن فعالیت نداشته باشد و رابعاً - تحت نام شرکت مادر تخصصی تشکیل شود.

ب) از تاریخ تصویب این قانون، شرکت‌های دولتی موجود عبارتند از واحدهای سازمانی مشخصی که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شده و بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت می‌باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی ایجاد شده باشد مادام که بیش از ۵۰ درصد سهام آن متعلق به شرکت‌های دولتی باشد شرکت دولتی تلقی می‌شود.

مهلت مندرج در ماده ۱۳۰ قانون محاسبات عمومی کشور برای سازمان بنادر و کشتیرانی و سازمان صنایع دفاع حداکثر تا شش ماه از تاریخ تصویب این قانون تمدید می‌گردد. پس از انقضای مدت مزبور، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت مورد اشاره، مؤسسه دولتی محسوب و شرکت‌های متعلق به آن‌ها با هر میزان سهام به شرکت‌های مادر تخصصی مرتبط، با تصویب هیأت وزیران منتقل می‌شوند.



در ضمن شرکت‌هایی که سهام این دو مؤسسه انتفاعی وابسته به دولت در این مقطع در آن‌ها بیش از ۵۰ درصد باشد. شرکت دولتی موجود تلقی می‌گردند.

شرکت‌هایی که سهام آن‌ها به صورت هبه، صلح معوض و نظایر آن به وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی موجود واگذار شده است و در زمان تصویب این قانون ذیل شرکت‌های مادر تخصصی سازماندهی نشده‌اند، در صورتی که بیش از ۵۰ درصد سهام آن‌ها به دستگاه‌های مزبور متعلق باشد، شرکت دولتی موجود تلقی می‌شوند. صاحبان فعلی این قبیل شرکت‌ها در مقطع تصویب این قانون مکلفند حداکثر ظرف مدت شش ماه، با اولویت واگذاری سهام، شرکت‌های مزبور را در جریان خصوصی‌سازی قرار دهند، در غیر این صورت سهام مزبور توسط سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، تملک و برابر اساسنامه قانونی سازمان مزبور مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۲۴ در مورد آن‌ها اقدام خواهد گردید.

صاحبان سهام آن دسته از شرکت‌هایی که به حکم قانون یا دادگاه صالح ملی یا صادره شده و سرمایه آن‌ها متعلق به شرکت‌های دولتی یا دولت شده باشد، مکلفند ظرف مدت شش ماه از تصویب این قانون، شرکت‌های موصوف را در صورتی که ذیل شرکت‌های مادر تخصصی ساماندهی نشده باشند، در جریان خصوصی‌سازی قرار دهند. پس از انقضای مدت مزبور و در صورتی که شرکت‌های موصوف در جریان خصوصی‌سازی قرار داده نشده باشند، سهام آن‌ها توسط سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، تملک و برابر اساسنامه قانونی سازمان مزبور مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۲۴ در مورد آن‌ها اقدام خواهد گردید.

شرکت‌هایی که از طریق مشارکت حقوقی، مضاربه و مزارعه و سایر عقود به منظور به کار انداختن سپرده‌های اشخاص نزد بانک‌ها و شرکت‌های بیمه ایجاد شده یا می‌شود، شرکت دولتی شناخته نمی‌شوند.

صندوق‌ها و شرکت‌هایی که به منظور سرمایه‌گذاری از محل وجوه بیمه و بازنشستگی کارکنان وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی ایجاد شده یا می‌شوند، شرکت دولتی محسوب نمی‌شوند.

مرکز تهیه و توزیع کالا و صندوق تعاون از تاریخ تصویب این قانون، شرکت دولتی موجود تلقی می‌شوند. شرکت‌های وابسته به سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز مشمول مفاد ماده ۱۳۸ قانون محاسبات عمومی می‌باشند.

سهام شرکت‌های دولتی وابسته به سازمان‌های مستقل به اسامی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سازمان تربیت بدنی و سازمان انرژی اتمی ایران ظرف مدت سه ماه از تصویب این قانون به عنوان شرکت‌های دولتی موجود تلقی و به شرکت‌های زیرمجموعه شرکت‌های مادر تخصصی مرتبط، حسب مصوبه هیأت وزیران اضافه می‌شوند.



پذیرش سهام، دریافت هبه یا شقوق دیگری که منجر به تشکیل شرکت دولتی می‌گردد، توسط وزارتخانه، مؤسسات دولتی و شرکت‌های مادر تخصصی و شرکت‌های دولتی موجود و جدید موضوع ماده ۴۶ این قانون ممنوع است.

جزء ۲ ماده ۱ قانون محاسبات عمومی کشور و آن قسمت از جزء ۳ ماده ۱ مورد اشاره که به مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و مرکز تهیه و توزیع کالا مربوط می‌شود، با توجه به مفاد تبصره‌های ۱ و ۶ این ماده و مهلت‌های مقرر طی آن‌ها کان لم یکن تلقی می‌گردد.

- از تاریخ تصویب این قانون، تشکیل شرکت دولتی تحت هر عنوان و به هر نحو توسط سازمان‌های مستقل و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت ممنوع می‌باشد.

- از تاریخ تصویب این قانون، عبارت شرکت‌های دولتی از ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی کشور حذف می‌گردد.

- از تاریخ تصویب این قانون، تبصره ماده ۳۹ قانون محاسبات عمومی کشور لغو و مفاد ماده ۳۹ قانون مزبور شامل کلیه شرکت‌های دولتی که صددرصد سهام آن‌ها متعلق به دولت است از جمله شرکت‌های دولتی با صددرصد سهام متعلق به دولت موضوع ماده ۴۶ این قانون خواهد بود.

- از تاریخ تصویب این قانون، مفاد تبصره ماده ۴۰ قانون محاسبات عمومی کشور و ماده ۴۱ قانون مزبور شامل شرکت‌های دولتی که صددرصد سهام آن‌ها متعلق به دولت است از جمله شرکت‌های دولتی با صددرصد سهام متعلق به دولت موضوع ماده ۴۶ این قانون خواهد بود.

- از تاریخ تصویب این قانون، مفاد مواد ۳۷، ۳۸، ۴۵ و ۶۲ قانون محاسبات عمومی کشور شامل شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون خواهد بود.

- از تاریخ تصویب این قانون عبارت «با رعایت مقررات مربوط» در ماده ۶۹ قانون محاسبات عمومی کشور به عبارت «با رعایت اساسنامه و آیین‌نامه‌های مالی - معاملاتی شرکت مربوط» اصلاح می‌گردد. این حکم شامل شرکت‌های موضوع ماده ۴۶ این قانون خواهد بود.

- از تاریخ تصویب این قانون، تبصره ۱ ماده ۷۰ قانون محاسبات عمومی کشور لغو می‌گردد.

- از تاریخ تصویب این قانون عبارت «لکن ... تا قوانین و مقررات عمومی دولت خواهد بود»، در تبصره ۲ ماده ۷۲ قانون محاسبات عمومی کشور، لغو می‌گردد.

- از تاریخ تصویب این قانون، دستگاه یا دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۸۳ قانون محاسبات عمومی کشور استثنائاً معطوف به شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون نخواهد بود.

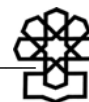
- از تاریخ تصویب این قانون، مفاد بند هـ ماده ۸۴ قانون محاسبات عمومی کشور حذف می‌گردد.

- از تاریخ تصویب این قانون، عبارت «شرکت‌های دولتی»، از متن ماده ۹۰ قانون محاسبات

عمومی کشور حذف می‌گردد.

- از تاریخ تصویب این قانون شورای اقتصاد به جای هیأت وزیران مندرج در ماده ۹۶ قانون

محاسبات عمومی کشور تعیین می‌گردد. دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۴۶ این قانون مکلف‌اند بودجه سنواتی یا بودجه اصلاحی احتمالی خود را براساس اهداف کمی موردنظر تهیه و به تصویب رسانند تا



امور مربوط به تهیه گزارش تفریغ بودجه، تهیه صورتحساب عملکرد سالانه بودجه کل کشور و بودجه‌های سنواتی هر چه واقعی‌تر تنظیم، تصویب و قابل نظارت باشد. در صورت عدم انطباق عملکرد با اهداف پیش‌بینی شده و صدور رأی از سوی هیأت‌های مستشاری دیوان محاسبات کشور در این خصوص، مجازات‌های تبصره ۱ ماده ۲۳ قانون دیوان محاسبات کشور و اصلاحیه آن به شرح این قانون، در مورد اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت موضوع ماده ۴۶ این قانون قابل اعمال است.

- از تاریخ تصویب این قانون، سازمان حسابرسی در ماده ۹۹ قانون محاسبات عمومی کشور جایگزین وزارت امور اقتصادی و دارایی برای صدور دستورالعمل موضوع ماده مزبور می‌گردد.

- از تاریخ تصویب این قانون، در مورد طرح‌های عمرانی انتفاعی (طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای انتفاعی)، اموال و دارایی‌های ناشی از اجرا در مواردی که دستگاه اجرایی وزارتخانه یا مؤسسه دولتی نباشد، به حساب دستگاه مسئول بهره‌برداری طرح منظور می‌شود. آن قسمت از ماده ۱۱۳ قانون محاسبات عمومی کشور که مغایر با مفاد این ماده است، از این تاریخ کن لم یکن اعلام می‌گردد.

- از تاریخ تصویب این قانون مواد ۱۱۸ و ۱۱۹ قانون محاسبات عمومی کشور لغو می‌گردد.

- از تاریخ تصویب این قانون کلیه شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون که فعالیت آن‌ها متوقف است، منحل اعلام می‌گردند. شرکت‌های صاحب سهم این قبیل شرکت‌ها از جمله شرکت‌های موضوع ماده ۴۶ این قانون، مکلفند ضمن اعلام اسامی این شرکت‌ها حداکثر سه ماه از تاریخ تصویب این قانون به وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، نسبت به انجام تشریفات قانونی لازم از جمله تشکیل مجمع عمومی کشور فوق‌العاده و انجام امور تصفیه و ختم آن از طریق مدیر یا مدیران تصفیه اقدام نمایند.

این ماده در حکم تبصره ماده ۱۳۴ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب سال ۱۳۶۶ خواهد بود.

- قانون نحوه هزینه کردن اعتبارات خارج از شمول قانون محاسبات عمومی کشور مصوب سال

۱۳۶۴، از تاریخ تصویب این قانون به شرح زیر اصلاح و شامل کلیه دستگاه‌های موضوع ماده ۴۶ این قانون می‌باشد:

الف) در متن ماده واحده عبارت «و بودجه شرکت‌های دولتی از محل منابع داخلی آن‌ها»، پس از عبارت «مصرف اعتبارات جاری عمرانی» در سطر اول، اضافه می‌شود.

ب) در آخر بند «الف» ماده واحده، عبارت «شرکت‌های دولتی در مورد منابع داخلی از مبادله موافقتنامه مستثنی هستند»، اضافه می‌شود.

ج) در آخر بند «ز» ماده واحده عبارت «شرکت‌های دولتی موظفند دریافت و پرداخت از محل منابع وجوه خارج از شمول خود را به همراه یادداشت توضیحی لازم تهیه و به دیوان محاسبات کشور و سایر مراجع مربوطه جهت رسیدگی ارسال دارند»، اضافه می‌شود.

د) در انتهای بند «ح» ماده واحده عبارت «اموال شرکت‌های دولتی از شمول این حکم مستثنی بوده و تابع اساسنامه‌های قانونی و مقررات مربوط به خود هستند»، اضافه می‌شود.



ه) در انتهای بند «ک» ماده واحده عبارت «این حکم شامل منابع داخلی شرکت‌های دولتی نمی‌باشد»، اضافه می‌شود.

- متن زیر به عنوان تبصره ۱۰ به «قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل»، اضافه می‌شود:
«اعضای غیرموظف هیأت مدیره شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون از شمول حکم تبصره ۴ این قانون مستثنی هستند».

- ماده ۲ قانون دیوان محاسبات کشور به شرح زیر اصلاح می‌شود:

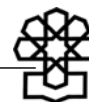
۱. سطر دوم عبارت «و نیز صورت‌های مالی»، حذف می‌شود.
۲. تبصره زیر قبل از تبصره ذیل ماده ۲ به عنوان تبصره ۱ اضافه می‌شود و شماره تبصره موجود نیز به ۲ تغییر داده می‌شود.

- «ملاک حسابرسی دیوان محاسبات کشور در مورد حسابرسی شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون به شرح این ماده، صورت‌های مالی حسابرسی شده‌ای است که در مجمع عمومی کشور مطرح و مورد اتخاذ تصمیم واقع شده باشد». دیوان محاسبات کشور مجاز است از طریق مجامع عمومی شرکت‌های دولتی مزبور، کلیه اطلاعات را به طریق مقتضی مشخص و درخواست کند.
- عبارت «شرکت‌های دولتی» از بندهای «الف» و «ج» ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور حذف می‌گردد.

- کلیه عملیات شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴۶ این قانون، همه ساله به طور مشترک توسط وزارتخانه ذی‌ربط، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی مورد نظارت و ارزشیابی واقع خواهد شد. این گونه نظارت و ارزشیابی هم در مورد منابع داخلی شرکت (حساب‌های جاری و حساب‌های سرمایه‌ای) و هم در مورد اعتباراتی که از محل منابع عمومی دولت وصول می‌شود، الزام آور خواهد بود. نتیجه این امر به طور سنواتی در قالب گزارش‌های مختصری تهیه و پس از ارائه به هیأت وزیران از طریق جراید کثیرالانتشار به اطلاع عموم خواهد رسید. چارچوب گزارش‌های مورد نظرو شاخص‌های لازم به منظور فراهم آوردن امکان اعمال نظارت هدفمند و ارزشیابی، توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارتخانه ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. رعایت این چارچوب به منظور ارائه گزارش‌ها به مراجع مورد اشاره الزامی است.

رؤسای مجمع عمومی شرکت‌های موضوع ماده ۴۶ این قانون مکلفند در ارائه گزارش ادواری سالانه شرکت‌های موضوع این ماده به رئیس جمهور، فصل خاص و جداگانه‌ای را در مورد خصوصی‌سازی، نحوه پیشرفت، موانع و مشکلات و پیشنهادها (مشمول بر چگونگی جداسازی حاکمیت از تصدی) در نظر بگیرند. این گزارش در بخش پیشنهادها، متضمن تصمیمات خاصی برای غیرفعالان در امر خصوصی‌سازی نیز خواهد بود.

- با توجه به اصل اداره اقتصادی شرکت‌های موضوع ماده ۴۶ این قانون، در صورتی که در موارد استثنایی دولت مأموریت یا تکلیف غیراقتصادی برای این گونه شرکت‌ها را لازم بداند مکلف است متناسب با ابعاد اقتصادی مأموریت یا تکلیف محوله، مابه‌التفاوت لازم را محاسبه و به آن‌ها پرداخت کند.



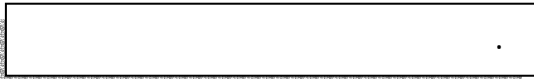
- قیمت‌گذاری کالا و خدمات شرکت‌های موضوع ماده ۴۶ این قانون به استثناء آن دسته از اقلامی که در مورد آن‌ها حکم قانونی خاص طی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه یا قوانین بودجه سنواتی وجود دارد، در چارچوب سیاست‌های کلی اعلام شده از سوی هیأت مدیره شرکت‌های موضوع ماده ۴۶ این قانون با مجامع عمومی آن‌ها است. قوانین و مقررات مغایر با این ماده ملغی الاثر است.

انجام هر گونه فعالیت تجاری و غیر آن خارج از حیطه وظایف تعیین شده در اساسنامه شرکت‌های موضوع ماده ۴۶ این قانون، ممنوع است. همچنین وصول هر نوع درآمد یا تعهد هر نوع هزینه خارج از چارچوب فعالیت‌های قانونی، در چارچوب بودجه مصوب یا بودجه اصلاحی محتمل، ممنوع است.

- کلیه شرکت‌های موضوع این قانون از جمله برخی از آن‌ها که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آن‌ها مستلزم ذکر نام یا ذکر صریح نام آن‌ها است از جمله شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت‌های تابعه و وابسته به آن‌ها، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت‌های تابعه و وابسته و سازمان صنایع ملی ایران - در حال تصفیه و شرکت‌های تابعه و وابسته و مرکز تهیه و توزیع کالا و صندوق تعاون، بانک‌ها و بیمه‌ها و شرکت‌های تابعه و وابسته به سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و شرکت‌های وابسته به سازمان‌های مستقل (تا قبل از تغییر وضعیت)، همچنین مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت (تا قبل از تغییر وضعیت)، مشمول مفاد این قانون می‌باشند.

از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن فاقد اعتبار قانونی و ملغی الاثر

خواهد بود.



برخی از مواد پیش‌نویس به طور مستقیم به مفاد اولویت‌بندی مشکلات باز نمی‌گردد. بلکه معطوف به اصلاح موادی از قوانین و مقررات فعلی است که موجب تعارض در زمینه امور شرکت‌های دولتی شده‌اند یا موجب تسهیل فعالیت شرکت‌ها خواهند شد.

- اختیار فروش کلیه اموال و دارایی‌های شرکت‌ها به مجمع عمومی آن‌ها داده شده و در ضمن عواید ناشی از فروش آن جزء درآمدها (و نه درآمد عمومی) محسوب و در میزان سود و زیان تعیین‌کننده می‌باشد. در ضمن هزینه جایگزینی آن از منابع داخلی شرکت تأمین می‌شود و نه دولت، لذا احکامی نظیر حکم مصرح در ماده ۴ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مغایر امر شرکت داری و یکسان دیدن شرکت‌ها با وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی است.

- ماده ۳۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت صرفاً از شرکت‌های دولتی نام برده و مستلزم ذکر نام و تصریح نام را در بر نمی‌گیرد. حکم ماده ۳۱ قانون بدین ترتیب ناقص است زیرا فقط از عبارت «تصریح نام» استفاده کرده و اسامی شرکت نفت، گسترش و ... را بر ندارد، لذا در ماده ۱۳ نقص مزبور که به نفع امر شرکت‌داری بوده و از اسراف جلوگیری می‌کند به ماده ۳۰ احاله و برطرف گردیده است.

- برخی از مقررات وضع شده در قانون تنظیم به شرح زیر لغو شده است:

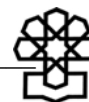
- ماده ۳۲ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت شامل کلیه دستگاه‌های مشمول ماده ۳۰ قانون نیز هست لذا استقلال شرکت‌ها را حتی برای پرداخت هزینه چاپ تقویم و ... مخدوش می‌سازد.
- ماده ۴۲ نیز استقلال شرکت‌ها را برای انجام هزینه‌های پژوهشی خدشه‌دار کرده و با آن‌ها مشابه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی رفتار کرده است.

- ماده ۶۱ نیز انجام طرح‌های ملی تحقیقات علی‌القاعده در مورد شرکت‌ها بی‌معناست، لذا درخواست لغو آن شده است.

- در ماده ۶۸ علی‌الاصول نرخ گذاری تعرفه‌ها و خدمات دولتی و ... در شرکت‌ها صرفاً مبتنی بر اصلاح ساختار اداری، کاهش نیروی انسانی و نرخ تورم نیست بلکه عوامل عدیده دیگر در مورد آن دخالت دارد، لذا پیشنهاد لغو ارائه شده تا در این مورد هم به مثابه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی با شرکت‌ها برخورد نشود.

- ماده ۸۴ نیز اختیار فروش اموال منقول مازاد بر نیاز به استثناء خودرو را صادر کرده، بدون آن‌که عنایت کند که مجمع عمومی این وظیفه را به عهده دارد، لذا نوعی تداخل وظایف است که به تعبیری تکراری و به تعبیری مغایر است.

- در ماده ۹۴ قرار نیست شرکت‌های دولتی جور وزارتخانه‌های بهداشت و درمان را برای ایجاد مراکز مراقبت‌های بهداشتی متحمل شوند، بالاخص که کارگران آن‌ها بیمه درمانی نیز دارند، لذا پیشنهاد لغو داده شده است.



- اگر دولت مایل است هزینه انشعاب گاز مساجد و ... را رایگان کند باید رأساً هزینه آن را متقبل شود، دلیلی برای خدشه‌دار کردن وظایف قانونی شرکت ملی گاز و تحمیل این هزینه به آن ندارد. لذا اصلاح ماده ۵۸ قانون تنظیم پیشنهاد شده است.
- ماده ۵۹ قانون تنظیم مشابه مورد ماده ۵۸ است ولی در مورد شرکت پخش فراورده‌های نفتی است.
- شرکت‌های دولتی با توجه به تعریف طرح عمرانی در ماده ۱ «قانون برنامه و بودجه»، از منابع داخلی نیز بعضاً بخشی از هزینه طرح را تأمین می‌کنند، چون در ماده ۷۷، این عبارت «تمام یا قسمتی» نیامده و گفته شده «و منابع» آن، معنایش این است که کل اعتبار باید عمرانی باشد و نمی‌تواند بخشی از آن از منابع داخلی باشد. برای رفع این معضل ماده ۱۷ برای اصلاح ماده ۷۷ قانون تنظیم پیشنهاد شده است.
- ماهیت وظایف تصریح شده دولت در متن ماده ۸۸ قانون تنظیم ربطی به شرکت‌های دولتی ندارد لذا عبارت «شرکت‌های دولتی»، حذف شود.
- صدر ماده ۸۹ قانون تنظیم در مورد وزارتخانه‌ها و مؤسسات بوده اما بندهای الف و ب آن به شرکت‌های دولتی تسری داده شده است. وزارتخانه‌ها و مؤسسات دستورات دولت را اجرا می‌کنند لذا بنا به مصالحی طرحی را آغاز و نیمه تمام رها می‌کنند ولی علی‌القاعده شرکت‌های دولتی نباید مبادرت به چنین کاری بکنند؛ لذا اساساً تسری مفاد این ماده به شرکت‌ها ناصحیح است (بند الف) و بند ب نیز مجدداً لغو اجازه مجمع عمومی در مورد حق استفاده از ساختمان‌ها و یا واگذاری بلاعوض آن‌ها را مطرح ساخته که مخدوش کردن اختیارات آن محسوب می‌شود. لذا پیشنهاد اصلاح داده شده است.
- دلیلی ندارد که شرکت‌های دولتی برخلاف مفاد اساسنامه خود حسب ماده ۹۱ قانون تنظیم به خریداری ساختمان‌های دارای ارزش فرهنگی و تاریخی مبادرت نمایند؛ لذا طی این ماده عدم تسری آن به شرکت‌های دولتی، مطرح شده است.
- ماده ۱۰۲ قانون تنظیم اصلاح شده است زیرا اولاً - وزارت نیرو منابع داخلی ندارد و اعتبارات خود را از منابع عمومی دریافت می‌دارد. لذا منظور شرکت‌های آن است، ثانیاً - هرگونه کمک و یارانه غیرمستقیمی از منابع شرکت‌های دولتی به عموم مردم منابع‌اش باید توسط دولت تأمین شود و نه شرکت‌های دولتی.
- مسأله تمرکز وجوه به خودی خود (اگر دولت برای درآمدهای شرکت‌ها نقشه نکشد و برابر بودجه مصوب آن را پرداخت کند)، موجب شفاف‌سازی می‌شود، در ضمن در مورد شرکت‌هایی که دولت با بخش غیردولتی شریک است (تبصره ماده ۳۹ قانون محاسبات)، نمی‌توان قسمتی از منابع را به خزانه واریز و قسمتی واریز نکرد، لذا این اصلاحیه پیشنهاد شده است.
- ضمن این‌که روح پیش‌نویس قانون اصلاح برخی مقررات شرکت‌های دولتی، برقراری تسهیلات برای آن‌ها است، لکن مخالف هرج و مرج و موافق شفاف‌سازی است، لذا متن ماده ۲۵ اولاً - برای موضوع فوق در مورد روش درآمد شرکت‌ها توصیه شده و ثانیاً - برای جلوگیری از مصرف سپرده‌ها و ... برای



مصارف غیرضرور، مفاد ماده ۴۱ قانون محاسبات را بر شرکت‌های مشمول ماده ۴۶ قانون پیشنهادی تسری داده است.

- مواد ۳۸، ۴۵ و ۶۲ قانون محاسبات عمومی احکام دولتی است که باید به شرکت‌های موضوع ماده ۴۶ قانون پیشنهادی تسری داده شود، لذا این ماده پیشنهاد شده است زیرا عبارت «شرکت‌های دولتی» در برگیرنده تمامی شرکت‌های دولتی نیست.

- چون در لایحه پیش‌بینی شده که شرکت‌های دولتی آیین‌نامه مالی - معاملاتی خاص خود را حتی برای طرح‌های عمرانی استفاده کنند، لذا تقاضای لغو مواد ۸۳ و بند (ه) ماده ۸۴ قانون محاسبات عمومی این دو ماده شده است.

- چون امر انطباق اهداف پیش‌بینی شده با عملیات انجام شده جنبه اقتصادی دارد، لذا پیشنهاد شده شورای اقتصاد که مرجع تخصصی‌تری است به جای هیأت وزیران در ماده ۹۶ قانون محاسبات عمومی درج شود، در ضمن در این ماده نقص ماده مزبور در زمینه جزئیات اهداف کمی و ضمانت اجرایی نیز برطرف شده است.

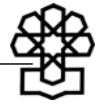
- چون در پیش‌نویس قانون اعلام شده که اعتبار طرح‌های عمرانی شرکت‌ها مطابق آیین‌نامه مالی - معاملاتی آن‌ها مصرف شود، لذا در این ماده با اصلاح ماده ۹۹ قانون محاسبات عمومی، درخواست شده که مرجع تخصصی‌تری نظیر سازمان حسابرسی به جای وزارت امور اقتصادی و دارایی دستورالعمل مربوط به صورتحساب دریافت و پرداخت طرح‌های عمرانی شرکت‌های دولتی را تدوین کند.

- در ماده ۱۱۲ قانون محاسبات عمومی، کلیه طرح‌های عمرانی در زمان اجرا متعلق به دولت و پس از خاتمه اگر دستگاه بهره‌بردار شرکت باشد و هزینه بهره‌برداری را از منابع داخلی بدهد، اموال متعلق به آن است. این امر باعث شده که استهلاك این اموال و دارایی‌ها تا زمان خاتمه محاسبه و منظور نشود (زیرا این ماده در اصل لغو ماده ۴۰ قانون برنامه و بودجه است)، لذا در این ماده با عبارت «ناشی از اجرا»، مسأله مزبور برای شرکت‌های دولتی حل شده است.

- مجمع عمومی در مورد اموال منقول و غیرمنقول شرکت‌های دولتی می‌تواند تصمیم بگیرد، چه دلیلی دارد این اجازه آن هم برای واگذاری بلاعوض به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی (ماده ۱۱۸ قانون محاسبات عمومی) و به شرکت‌های صددرصد دولتی دیگر (ماده ۱۱۹ قانون محاسبات عمومی) با مجوز دولت، بلامانع شود، این ماده به این دلیل لغو این دو ماده را درخواست کرده است.

- قانون نحوه هزینه کردن اعتبارات خارج از شمول، مشکلات عدیده‌ای برای مصرف وجوه خارج از شمول منابع داخلی شرکت‌ها از جمله مبادله موافقتنامه (که در مورد منابع داخلی مصداق ندارد)، نگهداری حساب (که مراد جداگانه نگهداشتن آن است در مورد منابع داخلی غیر عملی است)، تلقی اموال به اموال دولتی (در صورتی که مال شرکت‌های دولتی است) و واریز تنخواه‌گردان به خزانه (که در مورد منابع داخلی موضوعیت ندارد) فراهم کرده که به موجب این ماده برطرف شده است.

- به موجب قوانین موجود، قیمت‌گذاری کالا و خدمات دولتی با شورای اقتصاد (ماده ۳۰ قانون نحوه وصول ...) و در برنامه سوم توسعه (ماده ۵) با ضوابط اعلامی دولت و ... مجاز است. در



ضمن دولت شرکت‌های دولتی را مجبور می‌کند که زیر قیمت تمام شده کالا و خدمات خود را در مواردی عرضه دارند و ضرر و زیان آن را هم نمی‌پردازد، ماده ۴۳ برای قسمت اخیر الاشاره (مابه‌التفاوت) و ماده ۴۴ برای نحوه قیمت‌گذاری و تفویض آن به مجمع عمومی به استثناء اقلامی است که حکم قانونی خاص برای آنها وجود دارد تا بدین وسیله شرکت‌های دولتی را مسئول تصمیم‌گیری‌های خود کرده و هرگونه اعتراضی را در این گونه موارد، منتفی کند.



:

: گزارش توجیهی و پیش نویس طرح اصلاح برخی مقررات شرکت‌های دولتی (۱)

: دکتر محمد قاسمی

: مطالعات برنامه و بودجه

: مهندس شمس وهابی

: ناهید حکیم شوشتری،

(ریاست کمیته نظارت کمیسیون اقتصادی)

عباس محسنی، مینو عدالت‌پور، محمدرضا مجل

:

۱. شرکت‌های دولتی (State – Owned Enterprises)

:

۱. سند برنامه سوم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۲. سلسله جلسات برگزار شده با حضور کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سازمان حسابرسی، سازمان خصوصی‌سازی، دیوان محاسبات کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در کمیته نظارت کمیسیون اقتصادی.
۳. مینو عدالت‌پور و ناهید حکیم شوشتری، مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت شرکت‌های دولتی، دفتر مطالعات برنامه و بودجه؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: در دست انتشار.
۴. مجموعه جلسات برگزار شده در دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی جهت تهیه پیش‌نویس اصلاح برخی از مقررات حاکم بر فعالیت شرکت‌های دولتی.